عالیجناب خاکستری

نگاهی به سخنان اخیر حسینیان

اکبر گنجی

حسینیان: «نکته مهمی که در بازجویی مطرح کرده است ـ عین عبارت است که ام ایشان می گویند که تحلیل ما از اوضاع بود که آقای ... غیر از امام است و آقای لیل اینکه ۲۰میلیون رأی آورده و ۲۰میلیون درش بیشتر از بنی صدر است و ما این می شویم و به گردن آقای ... می اندازیم ن دو منجر به شکست آقای ... در مقابل واهد شد ـ سعید اسلامی به احتمال خیلی این قتلها بوده چون سعید اسلامی واقعاً ود که مخالفین جمهوری اسلامی باید از بشوند و در این زمینه ها هم تجربه داشت سی بود که مسؤول امنیت کشور بوده، وزارت اطلاعات بوده، شاید صدها رزی در رابطه با منافقین [داشت]... خیلی و اعتقادش هم همین بود. قبلاً هم به ن پرونده ها بود. این آقای سعید اسلامی ود و مسؤول این پرونده ها بود. احتمال ش با مسائل دیگری هم استفاده کرده

عاهای مضحک و جناحی در تحلیل زنجیره ای آن است که قتل ها با انگیزه و درگیری بین مقام رهبری و ریاست خاتمی) صورت می گرفت تا خاتمی ست میلیونی مقام رهبری را کنار بگذارد یشان تکیه زند. این ادعا به دلائل عدیده

سال ۷۷، پیروز دوانی در سوم شهریور پایان شهریور به قتل رسید. به دنبال آن داریوش فروهر و همسرش، محمد مختاری به قتل می رسند. قتل چند و «ضدانقلاب» چگونه و به چه دلیلی مقام رهبری و آقای خاتمی شکاف و کند؟ تنها راه به ظاهر ممکن منسوب سال ۷۷ به مقام رهبری بود. اما به سه دلیل ملی بود.

یانی قاطع و پایدار مقام رهبری از آقای ف هویت جنایت کاران و عامل و انگیزه حسینیان در همین سخنرانی می گویند پاسخ پرسش من گفت «مقام معظم د که آقای خاتمی مطمئن بشوند... انمی جلب بشود.»

ل اطلاعاتی نه تنها قتل ها را به مقام منسوب نکرد بلکه از طریق بخش

قتل و جنایت قبل از دوم خرداد ۷۶ با چه انگیزه و هدفی سیله تاریک خانه اشباح طراحی و توسط محفل اتی به اجرا درآمد؟ زمانی که خاتمی به دلیل در گرفتن سیاست های عقلایی و دفاع از آزادی و تنوع و و گفت وگو و تبادل و تضارب آراء به عنوان بسترساز فرهنگی مجبور به ترک عرصه سیاست شد و در گوشهٔ انه ملی، کتاب می خواند و تحقیق می کرد: قتل ها با چه ، و هدفی صورت می گرفت ؟ در آن زمان که خاتمی عیت ۲۰میلیون مردم ایران زمین را ذخیره نداشت و شکاف بین خاتمی و مقام رهبری برای سرنگونی واجد معنا نبود؟

ب آن را به گردن سازمان سیاه رفقای باند سیدمهدی هاشمی انداخت. ح الله حسینیان می گوید: «بعد از اینکه رج خود رسید، خود آقای موسوی جمهوری و گفت که این قتلها توسط فی هم اصلاً در کار نبود. خود ایشان ه سه روز ایشان را تحویل نمی گرفتند ست.»

ل حسینیان، موسوی (کاظمی) نباید اف کند بلکه می بایست قتل ها را به بیاندازد تا تحلیل و سناریوی حسینیان بد.

ی از خرداد ۷۶، شاید بتوان از راههای ناریویی برای قتل های پس از دوم د. اما دهها قتل و جنایت قبل از دوم لیزه و هدفی به وسیله تاریک خانه سط محفل اطلاعاتی به اجرا درآمد؟ دلیل در پیش گرفتن سیاست های زادی و تنوع و تکثر و گفت وگو و به عنوان بسترساز تهاجم فرهنگی ه سیاست شد و در گوشهٔ کتابخانه و تحقیق می کرد: قتل ها با چه انگیزه می گرفت ؟ در آن زمان که خاتمی ن مردم ایران زمین را ذخیره نداشت خاتمی و مقام رهبری برای سرنگونی د؟

در همین سخنرانی اعتراف می کنند

پس از قتل فروهر و همسرش یکی از اعضای وزارت اطلاعات که شاهد چگونگی به قتل رسیدن سعیدی سیرجانی توسط سعید امامی بوده است کل ماجرا را با جزئیات آن با یکی از نمایندگان مقام رهبری در میان می گذارد و آن روحانی محترم نیز ماجرا را با مقام رهبری و به امر ایشان با کمیته تحقیق در میان می گذارد.

سعید امامی به شهادت یک روحانی جلیل القدر دیگر در جلسه شورای استان یکی از استانها پس از قتل سعیدی سیرجانی «تلنگر سفتی» را که بر وی وارد کرد، قهرمانانه شرح داده است.

ب - مهندس برازنده: در تاریخ ۷۳/۱۰/۱۵ در مشهد مفقود و در ۷۳/۱۰/۱۶ جنازه وی در نزدیکی وکیل آباد کشف شد.

ج - احمد میرعلایی: در تاریخ ۷۴/۷/۲ به قتل رسید. حتماً به یاد دارید که آقای غلامحسین میرزاصالح، یکی از دیگر قربانیان محفل اطلاعاتی،

نوشت: «آقای گنجی بنویسید و باز هم بنویسید! چرا که هنوز قلب احمد میرعلایی به خاک سپرده نشده و در پزشکی قانونی است. بنویسید! تا شاید آن قلب سرگردان به درون سینهٔ آن مرد فرزانه و مظلوم بازگردد و «شهرزاده کوچک و چشم به راه او بتوانند در عالم خیال با سرنهادن بر آن سینهٔ رنجور و تصور شنیدن نغمهٔ آن چشم برهم نهد و خواب «بنارهای دنباله دار» را ببیند و قصه های احمد را مرور کند.»(۱)

د - دکتر احمد تفضلی، دکتر نصرالله پورجوادی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، می نویسد: «تفضلی در روز ۲۴دی ماه ۱۳۷۵ هنگامی که با تومبیل از دانشگاه به خانه اش می رفت، ساعت ۹بعدازظهر نزدیک خانه اش در شمیران ناپدید شد و دوازده

ساعت بعد جنازهٔ او را با جمجمهٔ شکسته و استخوانهای از جا درفته و شکسته و بدن خونین و مجروح در جاده ای دورافتاده در اطراف تهران پیدا کردند ـ مرگ دردناک و اسفبار تفضلی که هنوز در پردهٔ ابهام است، نیزهای بود که سینهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و قلب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را شکافت.»(۲)

هـ - غفار حسینی: در آبان ۱۳۷۵ به قتل رسید.

و - صانعی، نامبرده با یک مؤسسه تحقیقاتی تاریخی رسمی همکاری داشت. پس از دو سه نوبت احضار، او و همسرش مفقود شده و چندی بعد جنازه شان کشف شد.

ز - ابراهیم زال زاده: در تاریخ ۷۵/۱۲/۵ ناپدید و در فروردین ۷۶ به قتل می رسد.

به نوشته روزنامه سلام «این جنایتکاران مرتکب بیش از هفتاد قتل شده اند که تعدادی از آنها اراذل و اوباش بوده اند.»(۳)

۳- صدها عملیات خارجی: آقای حسینیان می گوید سعید امامی، «شاید صدها عملیات برون مرزی در رابطه با منافقین [داشت]... خیلی عملیات داشت و اعتقادش هم همین بود.»

عملیات خارجی سعید امامی قطعاً به ضرر «منافع ملی» و در برخی از موارد «امنیت ملی» مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. وقتی پس از ماهها و بلکه سالها برنامه ریزی قرار می شد تا یکی از رؤسای جمهور کشورهای مهم اروپایی به ایران سفر کند، کدام متانه مسلمان ... [illegible]

پیامدهای غیرقابل تحملی چون سرنوشت لیبی، عراق و یا یوگسلاوی را برای ایران رقم زند.

پرسش مهم این است که آیا «صدها عملیات خارجی» سعید امامی در دوران وزارت هشت ساله علی فلاحیان نیز با هدف ایجاد «جنگ» بین مقام رهبری و آقای خاتمی صورت می گرفت تا خاتمی مقام رهبری را سرنگون نماید؟ آیا قتل های داخلی و خارجی با دو هدف متفاوت صورت می گرفت یا قتل های خارجی ادامه قتل های داخلی بود و هر دو مبتنی بر یک تحلیل و یک هدف بود؟

قافیه اندیشم و دلدار من
گویدم مندیش جز دیدار من
خوش نشین ای قافیه اندیش من
قافیهٔ دولت توی در پیش من
حرف چه بود تا تو اندیشی از آن
حرف چه بود خار دیوار رزان

حرف و گفت و صوت را برهم زنم
تا که بی این هر سه با تو دم زنم

آقای حسینیان برای نجات «دلدار» خویش هر از چندی اشعاری بدون وزن و قافیه می سراید و با طرح سناریوهای بی منطق، «حرف و گفت و صوت را برهم» می زند تا اعضای «تاریک خانه اشباح» و «شاه کلید» را نجات دهد. برعم او تنها راه نجات اعضای تاریک خانه اشباح برقراری ارتباط میان قاتلان و مقام رهبری است و این سناریویی است که فقط و فقط آقای روح الله (خسرو) حسینیان آن را تکرار و دنبال می کند.

۴- القاء سناریو به دادگاه برای نجات دلدار: جناب آقای نیازی که تاکنون حاضر به مصاحبه و گفت وگو با مطبوعات و پاسخگویی به پرسش های شهروندان نشده اند، خود را مکلف به توضیح به حسینیان می بینند. آقای حسینیان ادعا می کنند: «آقای نیازی یک روز تماس با من گرفتند که من می خواهم اطلاعاتی در رابطه با این پرونده در خدمت شما قرار بدهم که شما، به قول خودشان، چون من را فرد دلسوزی می دانستند که در اشتباه هستم، می خواستند من را از اشتباه خارج کنند... گفتم آقای نیازی انگیزهٔ این قتلها چه بود؟ واقعاً اینها از این قتلها چه انگیزه ای داشتند؟ فرمودند که قصد براندازی داشتند. گفتم قصد براندازی کافی نیست به عنوان انگیزه... گفتم شیخ ساده این چه قصد براندازی است. براندازی می آید و می گوید نه آقای خامنه ای نه آقای خاتمی، یک حکومت دیگری، یک رژیم دیگری، نمی آید بگوید که رهبری باید از بین برود ولی رئیس جمهور سرجایش باشد. این را چرا درست تحلیل نمی کنید... نظام اسلامی عمود خیمه اش ولایت فقیه است وقتی که این شکسته شود، یعنی نظام ساقط شود ـ این همان حرفی است که بنده دارم گلوی خودم را پاره می کنم. می گویم بابا بیایید این جریان را ریشه یابی بکنید و ببینید که چه جناحی نفعش بوده است که قتلها را مرتکب بشود.»

آقای حسینیان در ملاقات با آقای نیازی نیز متأسفانه تمام سعی خود را مصروف القاء این نکته می کند که طرفداران خاتمی با انجام قتل و به گردن رهبری انداختن، قصد سرنگونی مقام رهبری را داشته اند. در همین دیدار ایشان خطاب به آقای نیازی می گوید «آنها سرتان کلاه می گذارند. آنها می خواهند سر تو را شیره بمالند».

آقای حسینیان در سخنرانی و رامین نیز همین مدعای برقراری ارتباط بین قتل ها و مقام رهبری، را تکرار کردند که ما ضمن نقد آن مدعا عامل و انگیزه های ایشان را، که نجات تاریک خانه اشباح و شاه کلید باشد، برملا کردیم.(۴)

«دلداران حسینیان او را جلو می اندازند و از او می خواهند که خود را گرفتار «منطق» و «دلیل» و «برهان» نسازد. وظیفه او پنهان کردن چهرهٔ اعضای تاریک خانه اشباح و خالی کردن خانه (قدرت) است تا منزل جانان (همفکران حسینیان) شود:

خانه خالی کن دلا تا منزل جانان شود.

در بخشی از همین سخنرانی آقای حسینیان موضع خود را نسبت به مقام رهبری آشکار می کند. می گوید: «به او (یکی از معاونین وزارت اطلاعات) گفتم که آقا من ممکن است نسبت به رهبری آقا اعتراضی داشته باشم و انتقادی داشته باشم، ولی در دین آقا که نباید شک کنیم.»

۵- شکنجه و قتل متهمان: آقای حسینیان با ذکر نام، سه تن از بازجویان پرونده قتل های زنجیره ای را معرفی کرده و گویا یکی از آنها [illegible]

از متهمین خودکشی کردند یا خودکشی می کنند یا آبرویش را می برند. می گویند مسأله اخلاقی داشته یا جاسوس بوده آخر سر هم هیچ چیزی از آن درنمی آورند.»

آقای روح الله حسینیان در اوائل تشکیل وزارت اطلاعات، دوران وزارت جناب آقای ری شهری و قائم مقامی علی فلاحیان، مسؤول رسیدگی به پرونده های وزارت اطلاعات بود. ایشان به صراحت مدعی اند که در دوران آقای ری شهری متهمان شکنجه، وادار به خودکشی، آبروریزی اخلاقی و ناجوانمردانه متهم به جاسوسی می شدند.

همین نکته را ایشان در سخنرانی دیگری به صراحت بیان کرده اند. متهما افشاگری ایشان آنقدر داغ بوده است که هفته نامه «جبهه» مجبور شده با حذف برخی از نکات به جای آنها نقطه چین بگذارد. حسینیان مدعی است «برخوردهای غیرقانونی در بدو تشکیل

وزارت اطلاعات توسط چه جناحی صورت می گرفت؟ که لااقل دهها نامهٔ اعتراض آمیز به عملکرد همین آقایان لطیف و نریت طلب فقط توسط اینجانب نوشته شد که تمام نامه ها موجود است. زندانی ویژه و کتک زدن خانواده [...] در [...] توسط چه کسی تأسیس و بنیانگذاری شد؟»(۵)

آقای حسینیان مدعی اند پس از رفتن جناب آقای ری شهری و وزارت علی فلاحیان و دری نجف آبادی شکنجه متهمان ادامه داشته و اینک در زمان وزارت، آقای علی یونسی شکنجه گران سابق، سعید امامی را با آمپول هوا به قتل رسانده اند.

«می گویند دارو هم استفاده کرده و خودش را تمیز کرده بود. چند بسته شما به ایشان دادید. می گویند «یک بسته» می گوید خب یک بسته چقدر باقی می ماند که خورده باشد و مرده باشد؟ می گویند دکترها گفتند که محلول یک استکان. گفتم آخه بابا جون. آخه ما خودمان والله یک زمان قاتل بودیم، یک زمانی زندانبان بودیم. خب همه این مراحل را گذراندیم. تاکنون صدها نفر را جیی خوردند و نمردند. آخه چطور با یک استکان که آن هم شما می گویید که بلافاصله بردند به بیمارستان و شست وشو دادید این خورد و مرد؟ می گوید نه نمرد چهار روز زنده ماند و خوب شده بود. حتی تماس هم گرفتند با ما که بیایید و ببریدش. که یک مرتبه اعلام کردند که ایست قلبی پیدا کرده و بیایید ببرید که تمام کرد. گفتم آخه جای تحقیق دارد. اولاً من نمی گویم نخورده. شاید خط بهش دادند همان بازجوهایی که چپ بودند و کسانی که پرونده دستشان است لبگویند این کار را بکن بیا بیرون. نجاتت می دهیم. چون خودش هم گفت آنجا داد و بیداد می کرد و می گفت آقا به داد من برسید، پدرم را درآوردند. کشتنم. شکنجه ام می کنند. توی بیمارستان داد و فریاد می کرد. شاید واقعاً همین خطی به او داده اند و بعد آوردند بیمارستان آمپول هوا بهش زدند. سکته کرده؟ تحقیق کنید. بررسی کنید. آخه سعید اسلامی آدمی نبود که خودکشی کند ما می شناختیم سعید اسلامی را. به هر حال جواب قانع کننده ای آقای نیازی واقعاً برای این مسأله نداشتند و ندارند. ما باید مدعی باشیم. بگوییم آقا پرونده در دست دوم خردادیها بوده. اگر کشتند، همان دوم خردادیها کشتند.»

اولاً: اگر چپ ها فردی را می بایست با آمپول هوا از بین ببرند، بر مبنای تحلیل حسینیان، موسوی (کاظمی) بود نه سعید امامی. آنان باید سعید امامی را زنده نگاه می داشتند و به زور از او مطابق با سناریوی حسینیان اعتراف می گرفتند.

ثانیاً: ادعای خسرو حسینیان با اتهام سازمان های بین المللی حقوق بشر همخوانی دارد. ایشان مدعی است که از ابتدای تشکیل وزارت اطلاعات تاکنون متهمان شکنجه و مجبور به اقرار به مفاسد اخلاقی، جاسوسی و خودکشی می شده اند. این اتهام در حالی صورت می گیرد که از چهار وزیر اطلاعات، سه تن از دانش آموختگان مدرسه حقانی و یک تن دیگر از جناح راست بوده است. متهما و مدعیست در تمام این مدت تمامی این اعمال به وسیله چند عنصر چپ دارای تعلق خاطر به آیت الله منتظری صورت گرفته است.

ثالثاً: این پرسش مهم اخلاقی و شرعی و قانونی مطرح است که آقای حسینیان و جانشین ایشان در وزارت اطلاعات آقای محسنی اژه ای که از اعمال خلاف شرع این شکنجه گران مطلع بوده اند، چرا آنان را محاکمه و مجازات نکردند و اجازه دادند آنان با این

بازجوها به روش های مذکور متهم را مجبور به اعتراف به سناریوی دلخواه تاریک خانه اشباح کرده اند؟

۷- عالیجناب خاکستری: آقای حسینیان که قبلاً مقتولان را «مرتد» و «ناصبی» و «ضدانقلاب» خوانده اند. اینک به صراحت تمام تأیید می کنند که قتل ها با حکم شرعی صورت می گرفته است: «واقعاً بنده آن تحلیلی را که از اول داشتم با آخرین اطلاعاتی که آقای نیازی به بنده دادند، همان تحلیل است و این قتل ها و ماجراها، معذرت می خواهم حتی نام یکی از روحانیون مجمع را برده، آقای موسوی و گفت ما بعضی از کارهایمان را در این قتلها با اینها مشورت کردیم. خب چرا نمی آیند این آقا را حضارش بکنند و با او برخورد بکنند و دربیاورند این مطلب را؟ اگر علیه جناح راست کسی این حرف را می زد، پدرش را درمی آوردند؟»

محسن کدیور به دلیل قرائت بیانیه گروه فدائیان مصطفی نواب، که مدعی وجود سه قاضی برای پرونده حکم قتل های زنجیره ای شده بودند، توسط دادگاه ویژه روحانیت محکوم و روانه زندان می شود ولی آقای حسینیان که مقتولان را مرتد و ناصبی می خواند و مدعی است که یکی از اعضا مجمع روحانیون مبارز به عنوان «عالی جناب خاکستری»، «حکم» قتل ها را صادر می کرده است. آزادانه و با پشتوانه محکم به نشر اکاذیب می پردازد. آقای حسینیان قبول دارند که قتل ها

۶- تعارض بنیادین: اعترافات ادعایی موسوی (کاظمی) فاقد ارزش قضایی و شهروندی است. چرا که:

اولاً فردی که مدت هشت ماه در سلول انفرادی بدون اطلاع از دنیای خارج به سر می برد، احتمالاً در نهایت حاضر می شود پای هر سناریویی را امضاء کند.

ثانیاً مگر آقای حسینیان مدعی نیستند که بازجویان این پرونده متهمان را مجبور به خودکشی، اعتراف به جاسوسی و مسائل اخلاقی می کنند. بر این اساس چگونه است که آقای حسینیان به اعترافات ادعایی که توسط این بازجویان تهیه شده است استناد می کنند؟ مگر آقای حسینیان نمی گویند هر پرونده ای توسط این بازجویان تهیه می شد را جهت بررسی مجدد باز می گردانند؛ چرا اینک به اعترافاتی که مطابق میل و سلیقه ایشان تهیه شده است استناد می کنند و بر اساس آنها یک سناریو می سازند؟ چرا در این مورد نمی گویند

با «حکم» صورت می گرفته، متهما برای مخفی کردن اشباح تاریک خانه آن را به گردن مجمع روحانیون می اندازد.

۸- اهانت به افراد: غرور و کبش شخصیت حسینیان کار او را به اهانت به افراد کشانده است. آقای نیازی را «شیخ ساده» می خواند و می گوید: «آقای خاتمی تماس می گیرند با دفتر آقا که سه نفر از وزراء با آقا کار دارند. آقای یونسی، آقای شمخانی و آقای مظفر. سه نفر «هالو» را می فرستند خدمت آقا». در همین سخنرانی آقای خاتمی را با بنی صدر و مقام رهبری را با حضرت امام مقایسه کرده و وعده اقدامی مشابه اقدام حضرت امام را به حاضران می دهند.

۹- دسترسی غیرقانونی به پرونده ها: آقای حسینیان در این سخنرانی از موضع فردی مطلع که

به پشتوانه چه قدرتی می تواند به نظامی، دادگاه ویژه و روحانیت و وزرا یابد.

۱۰- امنیتی ترین پرونده می گوید: «من هم قاضی بودم در قضاوت کردم. سخت ترین پرونده ها هم بنده رسیدگی کردم. هر ادعا کند که به اندازهٔ من امنیتی رسیدگی کرده... آخه بابا جون. آخه یک زمان قاتل بودیم، یک زمانی همه این مراحل را گذرانده ایم.»

آدمی وقتی این همه تعارض اهانت، نشر اکاذیب، عدم تعادل حسینیان مشاهده می کند و می بیند اندازه ایشان امنیتی ترین پرونده قرار نداده است؛ از خود می پرسد درباره متهمان کرده و چه احکامی ایشان خود به این پرسش به خوبی ما خودمان والله یک زمان قاتل بو

۱۱- حضور بی دلیل در هیأ حسینیان به نکته خوبی اشاره کرده اند از بچه های چپ وزارت اطلاعات من از یک جناحی هستم دلم نمی خودم دربیاید. هر چند هم متدین با آن برای کشف. بنده را بگذارید. متدینین و به قول خودم اصول گرا جریان هستند. می روم دنبال دیگری بی طرف باشد. واقعاً حق مطلب و وا دربیاورد انه! اینکه افرادی که خود می کنند و جناحی عمل می کنند.»

آقای حسینیان در سخنرانی درخواستی دارد که با اصولی که به تعارض دارد. می گویند: «پرونده را اگر پرونده را به ما داده بودند مسأ نمی شد. کسانی در این ماجرا خط تلاشند تا شر یکی برای متهم اصلی

اگر حسینیان قاضی پرونده می با تحلیلی که دارد کل جبهه دوم خرد مدنی ایران را به محاکمه می کشید.

آقای حسینیان به درستی بر بازجوها تأکید گذارده اند از ایشان م درباره «اعضای هیأت منصفه» چپ بی طرف باشند. آیا می توان سرنوش جبهه دوم خرداد را به دست فردی ت تحلیلی کاملاً دشمن کیشانه از آنها د به خود اجازه می دهید درباره ـ صبح امروز و... در هیأت منصفه دا

اولاً هیأت منصفه باید نماینده ا نه جناح های قدرت حاکم. ثانیاً عض نه تنها بی طرف نیستند بلکه از ق مطبوعاتش را «توطئه گر» می دانند. دارای چه منطقی است؟ ثالثاً عضو در هیأت منصفه مطبوعات با فشار هیأت منصفه دادگاه ویژه و روحانیت محسنی اژه ای است. آقای حسینیان:

مگر آقای حسینیان مدعی نیستند که بازجویان پرونده متهمان را مجبور به خودکشی، اعتراف جاسوسی و مسائل اخلاقی می کنند. بر این اساس چگ است که آقای حسینیان به اعترافات ادعایی که توسط بازجویان تهیه شده است استناد می کنند؟ مگر آ حسینیان نمی گویند هر پرونده ای توسط این بازجو تهیه می شد را جهت بررسی مجدد باز می گردانند؛ اینک به اعترافاتی که مطابق میل و سلیقه ایشان تهیه ش است استناد می کنند و براساس آنها یک سنار می سازند؟ چرا در این مورد نمی گویند بازجوها به روش ه مذکور متهم را مجبور به اعتراف به سناریوی دلخ تاریک خانه اشباح کرده اند؟

نیست بلکه نماینده بخشی از دانش آم حقانی است.

سخن پایانی: وحدت نظر مقام ر جمهوری در پیگیری «مسأله قتل ها کشف ریشه های فاسد و محور دل های هراسی در عمدای ایجاد کرده که با به میدا در رفته ها و ترمز بریده ها و ایجاد تصادفا ایجاد بن بست و راندنان برای فرار: اما تملمی ذهن ها همچنان معطوف است. سخنان جدید روح الله حسینیان شهروندان می شود و نه موجب فرو فلاخ مسأله اصلی علی فلاحیان و اقدامات او.

پاورقی ها:

۱- غلامحسین میرزاصالح،